

خلیج فارس و معمای امنیت

در آبراه استراتژیک چه می گذرد؟

سید مجتبی جلال زاده

کارشناس مسائل بین الملل



در جهان کنونی و نظم در حال گذار روابط بین الملل، موضوع «امنیت» به عنوان چالشی جدی که همواره در جریان است و پیش روی دولت هاست، مطرح است. منطقه خلیج فارس نیز از این معمای امنیت مستثنا نیست و حساسیت های ژئوپلیتیکی، تعارض های هویتی، منافع متعارض، راهبردهای اتحاد و ائتلاف با قدرت های خارجی و در نهایت، دیگر سازی (Other) در سیاست خارجی موجب واگرایی بین کشورهای حاشیه خلیج فارس شده که ثمره آن رami توان در عدم دستیابی به ساز و کار امنیتی مورد قبول عام کشورهای این منطقه دانست. شاید بتوان از بازیگران فرامنطقه ای همچون بریتانیا که پایگاه نظامی در بحرین تأسیس کرده و ناوگان دریایی اش در آنجا مستقر شده، یا فرانسه که بزرگ ترین مشتری سلاح هایش عربستان شده، یا پیمان نظامی «ناتو» که همین هفته پیش دفتر منطقه ای خود در خلیج فارس را در کویت تأسیس کرد و نمونه هایی نظیر این موارد را که شاهد هستیم، سودجویان این واگرایی و عدم تحقق الگوی امنیتی مناسب در خلیج فارس بدانیم. در ادامه تنها به چهار عامل از عوامل تهدید کننده امنیت در خلیج فارس می پردازم:

۱. دخالت قدرت های خارجی در منطقه

دخالت قدرت های خارجی در منطقه خلیج فارس محدود به سال های اخیر نیست و کشورهایی همچون پرتغال، هلند، انگلستان و آمریکا در دوره های مختلف تاریخی در منطقه حضور یافته و جهت تأمین منافع خود از قدرت نظامی استفاده کرده اند. این دخالت ها قبل از شروع جنگ سرد و حاکمیت نظام دوقطبی دارای ماهیتی اقتصادی و سودجویانه بود، اما پس از این دوران ماهیت مداخله ای خارجی جنبه امنیتی و سیاسی یافت و هر یک از دو ابر قدرت تلاش داشتند با تسلط بر مناطق استراتژیک برتری خود را بر رقیب افزایش دهند. با پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دوقطبی، ماهیت مداخله قدرت های خارجی در مناطق حساس، جنبه امنیتی و سیاسی خود را تا حدود قابل توجهی از دست داد و جنبه های اقتصادی آن تقویت شد. با تجاوز عراق به کویت تمایل کشورهای عربی خلیج فارس به جلب حمایت امنیتی آمریکا از این کشورها افزایش یافت و آمریکا در آخرین روزهای عمر نظام دوقطبی موفق شد حضور نظامی خود را در منطقه افزایش دهد. با حضور گسترده نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس دخالت این کشور در امور داخلی کشورها و منطقه به اوج خود در چند دهه اخیر رسید. اکنون نیز با تغییر در اولویت سیاست خارجی آمریکا و انجام «کوچ امنیتی» از منطقه خاور میانه به سمت جنوب شرق آسیا و استرالیا، سایر قدرت های بزرگ برای پر کردن خلاء حضور آمریکا در خلیج فارس، فعال شده و با ورود به منطقه در پی ایجاد جایگاه و پایگاه و تشکیل اتحاد و ائتلاف هستند.

به هر تقدیر حضور نظامی و سیاسی قدرت های بزرگ در منطقه خلیج فارس و دخالت این کشور در امور

امنیتی منطقه، نه تنها امنیت آن را دچار تزلزل می نماید بلکه کشورهای منطقه را نیز با مشکلات عدیده ای همچون بحران مشروعیت، افزایش آسیب پذیری های داخلی، بی ثباتی سیاسی و... مواجه کرده است.

۲. رشد نظامیگری در کشورهای منطقه

رخداد بهار عربی که تبعات فراوانی را برای خاور میانه عربی در پی داشت، موجب ایجاد ذهنیتی ناایمن در بین زمامداران کشورهای عربی گردید. بر این اساس و با پیدایش پدیده هایی نظیر تروریسم، جنگ های سوریه و یمن، ایران هسته ای و... موجب شد تا کشورهای حاشیه خلیج فارس تنها راه تأمین امنیت و مهم تر از آن تضمین بقای حکومت



خود را در انباشت سلاح و فربه کردن وجه نظامی قدرت دنبال نمایند. اما این امر صرفاً موجب گسترش ناامنی و بدبینی کشورها به یکدیگر می شود و فضای رقابت تسلیحاتی جز تشدید زمینه های تنش و بی اعتمادی در میان دولت ها نتیجه ای را در بر نداشته است.

۳. بحران مشروعیت در کشورهای منطقه

رژیم های حاکم بر کشورهای عرب منطقه خلیج فارس، رژیم های سنتی، اقتدارگرا، غیر مردمی و غیردموکراتیک هستند و از مشروعیت لازم در میان مردم خود برخوردار نیستند. گام های متعددی که در جریان بهار عربی به سمت مشارکت سیاسی مردم برداشته شده، بدون تردید در سایر شیخ نشین های خلیج فارس اثر خواهد گذاشت و آنها نیز ناگزیر از افزایش نقش مردم در حکومت خواهند شد. این مساله به خودی خود منجر به پیدایش نیروهای سیاسی جدید در این گونه کشورها خواهد شد. نیروی سیاسی جدید الزامات و رویکردهای سیاسی سنتی را به مبارزه خواهد طلبید و نتیجه این مبارزه در قدم های اول، بی ثباتی در کشورهای منطقه و نهایتاً سرنگونی رژیم های سنتی خواهد بود، در نتیجه بحران مشروعیت کشورهای منطقه، به صورت بالقوه، تهدیدی علیه امنیت منطقه محسوب می شود.

۴. وجود عوامل بحران زا و تشدید آنها

وجود عوامل اختلاف برانگیز و بحران زا میان کشورهای منطقه می تواند امنیت منطقه را به صورت عملی

با تهدید مواجه سازد. این عوامل به طور خلاصه شامل موارد زیر هستند:

۱-۴. اختلافات ارضی: همانگونه که دو جنگ (عراق-ایران و عراق-کویت) در منطقه خلیج فارس به ظاهر بر سر اختلافات مرزی و ارضی آغاز شد، بحران های بعدی نیز می تواند به این بهانه شروع شود. تقریباً اکثر کشورهای منطقه با یکدیگر دارای اختلاف ارضی و مرزی هستند. اختلاف ارضی ایران و عراق، کویت و عربستان، کویت و عراق، قطر و عربستان و... از جمله اختلافاتی هستند که می توانند در آینده امنیت منطقه را دچار تهدید نمایند.

۲-۴. اختلافات قومی و دینی: مسائل قومی به صورت های گوناگون در سراسر منطقه خلیج فارس وجود دارد. اختلاف بین شیعه و سنی، اختلاف بین فرقه های مختلف اهل تسنن، اختلاف عرب و عجم و... از جمله عوامل بالقوه ای هستند که می توانند در امنیت منطقه اخلاص ایجاد نمایند.

۳-۴. مسائل اجتماعی و فرهنگی: حضور گسترده خارجی ها در منطقه و سرمایه گذاری هایی که در صنایع صادراتی و جهانگردی می شود، عملاً روح و فرهنگ سرمایه داری غربی را ترویج کرده و باعث دوگانگی فرهنگی و اجتماعی در کشورهای حاشیه خلیج فارس می شود. این دوگانگی فرهنگی و اجتماعی عملاً ثبات سیاسی و داخلی کشورها و در نتیجه ثبات سیاسی و امنیتی منطقه را با خطر مواجه می سازد.

۴-۴. مشکلات محیط زیست: استخراج گسترده نفت، کاهش شدید آب، آلودگی آب های خلیج فارس در اثر تردد کشتی های نفت کش و... از جمله تهدیدهای زیست محیطی به امنیت منطقه خلیج فارس محسوب می شود.

۵-۴. فاصله زیاد بین فقیر و غنی: اگرچه این مساله به نوعی ناشی از توسعه نیافتگی کشورهای منطقه است که لزوماً می بایست در بند پنجم مورد بحث قرار می گرفت. اما از آنجا که اکثر کشورهای منطقه از نظر ثروت و درآمد در شرایط مناسبی به سر می برند و قادر هستند طی یک برنامه مناسب اقتصادی و با توزیع نسبتاً عادلانه ثروت، فاصله بین فقیر و غنی را از بین ببرند، این موضوع مورد توجه خاص قرار گرفت. وجود فاصله و اختلاف فاحش اقتصادی در بین اقشار جامعه در اکثر کشورهای حاشیه خلیج فارس، موجب بروز بحران های داخلی در این کشورها می شود که در جای خود تهدیدی علیه امنیت منطقه خواهد بود.

۵. عدم وجود یک سازمان فراگیر منطقه ای

در نهایت می توان به نبود یک سازمان منطقه ای که کشورهای عضو از طریق پیمان های اقتصادی، در پی ایجاد محیط امن منطقه ای و دست یافتن به راهکار امنیت دسته جمعی باشند، اشاره کرد. متأسفانه شورای همکاری خلیج [فارس] نه تنها نتوانسته به سازمانی منطقه ای و تاثیرگذار تبدیل شود بلکه خود عاملی برای واگرایی بیشتر و ایجاد جبهه ای عربی در قبال ایران شده است. در فقدان یک سازمان فراگیر منطقه ای، کشورهای منطقه مجبور خواهند بود مسائل خود را از طریق قدرت های بزرگ یا سازمان های بین المللی حل و فصل نمایند. این مساله موجب کاهش تفاهم بین کشورهای حوزه خلیج فارس شده و عملاً پای سایر بازیگران غیر منطقه ای را به حوزه امنیتی خلیج فارس باز خواهد کرد. با افزایش این حضور، یک امنیت منطقه میان تعداد بیشتری تقسیم شده و در نتیجه امنیت منطقه نیز چند پاره خواهد شد. ▶